محمد صالح گردش

01/11/2023

سیر تکامل واژۀ بلخ*

آریایی ها که در شمال و جنوب هندوکش زندگی داشتند، نسبت ازدیاد نفوس و گاهی هم منازعات اجتماعی شروع به مهاجرت نمودند و با گذشتن از دریای سند به سرزمین پهناور هند سرازیر گردیدند. و مدنیتی را در آن سرزمین به وجود آوردند که آنرا مدنیت ویدی گویند. بنا به تخمین مؤرخین، مدنیت ویدی در حدود 1400 سال قبل از میلاد وجود داشته که چهار کتاب ویدا ها محصول همان دوران است. (1)

بعد از مدنیت ویدی، آریایی های که در صفحات شمال هندوکش زندگی داشتند، مدنیت دیگری را بوجود آوردند که آنرا مدنیت اوستایی گویند که از لحاظ زمانی بعد از مدنیت ویدی است.

پس قدیمترین اسناد دست داشتۀ تاریخی در رابطه به طرز تفکر مردم، شیوه زندگی و وضعیت جغرافیایی آن دوران را می توان از سرود های ویدی جستجو نمود. ما نام بعضی از اماکن، شهرها، دریا ها وکوه هایی که فعلاً در حدود جغرافیایی کشور ما قرار دارند را در سرودهای ویدی درمی یابیم. نام شهر بلخ نیز در «اتهرواوید» به شکل «بلهیکه» آمده که بعد ها در ادبیات سانسکریت به شکل «بهلیکه» شده است(2)

زبان و ادبیات سنسکریت محصول یک دوران طولانی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری های زبان آریایی با زبان های قدیم روزگاران گذشته سرزمین هند است. بنابراین زبان دورۀ ویدی با سابقۀ بیشتر زمانی، پیوند بیشتر با زبان مردم آن روزگار ما داشته است. ازینکه بعد از دوره ویدی در زبان و ادبیات سنسکریت، شهر بلخ را بهلیکه گفته اند، ادای کلمه بلهیکه به شکل بهلیکه بیشتر مربوط به لهجه سنسکریت است و نه طرز ادای باشنده های آن روزگار سرزمین ما.

شهر بلخ که یکی از شهرهای باستانی و قدیم است، از آغاز تأسیس تا امروز به ده ها نام عنوان گردیده و بعضی از علما، شعرا و نویسندگان هر دوره نیز نام هایی در وصف این شهر گذاشته اند. بعضی از نام های بلخ در دوران های مختلف این هاست: بخدی، باختر، مروارید شرق، بلخ البهیه، بلخ گزین، بلخ بامیک، بابل دوم، ام البلاد، دارلاجتهاد و ... بادانستن اولین بلخ که بلهیکه باشد، شکل تغییر و تکامل این کلمه را تا امروز پی گیری می کنیم:

بلهیکه(فتح ب، سکون ل، فتح ک)

بلهکه (فتح ب، سکون ل، کسر هـ، فتح ک)

بلکه (فتح ب، سکون ل، فتح ک)

بلک(فتح ب، سکون ل و ک)

بلخ (فتح ب، سکون ل و خ)

به خاطر مغشوش نشدن ذهن خواننده به طور خلاصه می نویسم: بلهیکه، بلهکه، بلکه، بلک، بلخ.

با ادای کلمه بلک، متوجه ثقلت ادای حرف «ک» در آخر این کلمه می گردیم. پس این مسأله می رساند که حرف «ک» بسیار به سهولت به حرف« خ» تبدیل گردیده است.

در میان مردم، کلمۀ «بلکه» هنوز زنده و مورد استعمال است. چنانکه دری زبانان کشور ما آتش فروزان و شعله ور را بلکه می گویند و کلمۀ «بل» را روشنی، روشن و روشن شدن معنا می کنند

«بعل» که منحیث ایزد در دوران امپراتوری پارت ها در بابل پرستش می شد(3)، همان کلمه بل به مفهوم روشنایی و تلخیص کلمه بلکه خواهد بود که تأثیر مدنیت باختری را بالای مدنیت بابل به اثبات می رساند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولــئ

بابل منحیث یکی از مراکز اولیه تمدن، طرف توجه اعراب بوده است و ازاین که بلخ را بابل دوم گفته اند نامی ست که بعد از آمدن اعراب به این سرزمین گذاشته شده است، ورنه بعد از دلیل فوق دلایل دیگری نیز موجود است که مدنیت باختری را امتیاز بیشتر می بخشد.

بامیک در زبان پهلوی معنای درخشان، باشکوه و زیبا را می دهد و البته کلمه ایست وصفی که بعد از اسم بلخ بکار رفته است. پس می توان «بلخ بامیک» و یا «بلخ بامی» را سرزمین آتش فروزان و با شکوه تعبیر نمود. یکی از دلایلی که پیوند این شهر را با آتش می نمایاند اینست که اهورامزدا به یما امر داد تا واره را تعمیر کند که هر ضلع آن به اندازه طول یک میدان اسب دوانی باشد و آتش درخشان و یک جفت از نسلهای گاو، گوسفند، سگ، پرندگان وغیره را در آن جا دهد[(4)] بنابراین شهر بلخ از آغاز اعمار با آتش پیوند ریشه یی داشته که می توان معنای آتش را در خود این کلمه پی گیری نمود.

و اما یکی از نامهای باقدامت این شهر در اوستا(وندیدات) به شکل بخدی(Baxti Baxthi) آمده است[(5)] با آنکه این اسم از نظر معنا با اسم بلخ یکسان به نظر می رسد، مشکل است تا این دو کلمه را از ریشه یکی دانست.

کلمه بخدی از دو جزء تشکیل شده است: بُخ+ دی= بخدی. به نظر من جزء اول این اسم ترکیبی همان بَغ و بَگ است که معنای بزرگ و ایزد را می رساند و به شکل بُخ در ترکیب اسمای چون بخارا و بخدی و هم به شکل بُغ در ترکیب نام خواجه بُغرا (ناحیهٔ در خیرخانه شهرکابل)، بُغاوی (ناحیه ی در ولایت سرپل) می توان دید. جزء دوم کلمهٔ بخدی، دی است که دی، دهی، دهیوبه معنای اقلیم، سرزمین و مملکت است. [(6)]، پس اسم بخدی را به این شکل می توان ایزد محل تعبیر نمود

کلمهٔ بغ در ضمن اینکه در زبان پارسی دری معنای ایزد و خداوندگار را می رساند، اسم صوت است و دری زبانان صدای روشن شدن آتش را بغ می گویند. بنابراین واژهٔ بغ(بخ) بی رابطه با آتش نیست و کلمهٔ بخدی را به این شکل می توان جایگاه ربعه النوع آتش و یا به طور خلاصه آتشکده دانست و این معنا در اسم بغلان نیز قابل مکث است، زیرا اکثر محققان بغلان را پرستشگاه و معبد می دانند و نه آتشکده.

بیجا نبوده که اعراب شهر بلخ را ام البلاد-شاید این نام ترجمه یکی از نامهای قدیمی این شهر به زبان عربی باشد- نامیده اند. از آنجایی که معلوم است نخستین مهاجرت آریایی ها به صوب سرزمین هند در زمان های ماقبل از تاریخ صورت پذیرفته و سرود های ویدی که اکثراً سوژه مذهبی را داراست، وقایع و رویداد های بسیار دور از دورهٔ مدنیت ویدی را بیان می دارد.

دستیابی و بکارگیری آتش در میان انسانهای ماقبل از تاریخ تحول بزرگی در زندگی اجتماعی آنها بوده است که حتا ارزش و اهمیت این پدیدهٔ زیبا و مؤثر طبیعت را با وجود پیشرفت های چشمگیر علم و تکنالوژی، در همه عرصه های زندگی مدرن امروزی نیز درک می نماییم. دین زردشتی به احتمال قوی دین اصلاح طلبانه ی ادیان ماقبل از خود بوده است که یکی از دلایل در این مورد، احترام زردشتیان به آتش است. به اساس اینکه شهر بلخ قبل از آئین زردشتی نامی داشته است که مفهوم آتش فروزان را می رساند، پس در بین مردم آن روزگار بلخ و مناطق همجوار آن آتش مورد پرستش بوده و بنا به دلایلی آتشکده ها در هر محلی موجود و بر پا بوده است. نام قدیمی بلخ این موضوع را در ذهن تقویت می بخشد که بلخ اولین و یا یکی از نخستین مکانهای دستیابی و بکارگیری آتش در میان انسان های بدوی ماقبل از تاریخ بوده باشد. امیدواریم روزی با همت باستان شناسان بتوانیم از نخستین مراحل زندگی انسانها با کشف دفینه های باستانی این مرز و بوم یک گام دیگر به سوی آگاهی برداریم.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

منابع:

*گردش، محمد صالح. واژه افغان و سرزمین سلیمان. مزارشریف: جاده بیهقی، مطبعه سید هاشم، بهار 1385 صص 10-14

1-حبیبی، عبدالحی. تاریخ مختصر افغانستان، پشاور: 1377، ص 8.

2-همان اثر. ص 9

3- یمین، محمد حسین. افغانستان تاریخی. پشاور: 1380، ص 91 به نقل از جواد مشکور و رجب نیا. تهران: تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان. بخش دوم، ص 92

4-همان اثر، ص 101، به نقل از: اوستا(وندیدات) فرگرد 2، فقره 21

5-همان اثر. ص 105، به نقل از مارکوارت، وهرود و ارنگ، ص 46

6-همان اثر. ص 111، به نقل از: کریستن سن. مطالعه در باره آئین زردشتی در فرس قدیم. کوپنهاگ 1928، ص 17

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ